

خامنه ای و اوباما چگونه توافق هسته ای را اجرایی خواهند کرد؟

این مقاله در ۲۹ ژوئیه ۲۰۱۵ در [هافینگتون پست](#) منتشر شد

با تأیید آیت الله خامنه ای دولت روحانی وارد مذاکره مستقیم و علنی با دولت اوباما شد و پس از ماه ها مذاکره، توافق وین به دست آمد و به تصویب شورای امنیت سازمان ملل رسید. مسأله اصلی در حال حاضر به تصویب رساندن این توافق توسط کنگره آمریکا و مجلس ایران است.

مقایسه تفاوت های رفتاری پرزیدنت اوباما و آیت الله خامنه ای در این زمینه قابل توجه بسیار است. پرسش این است: این دو برای اجرایی کردن توافق هسته ای چه کرده و می کنند؟

اول- کار اوباما بسیار پیچیده و دشوار و کار آیت الله خامنه ای آسان است. این وضعیت محصول دو ساختار سیاسی متفاوت دموکراتیک و دیکتاتوری است. اگر خامنه ای توافق را شخصاً تأیید کند، شورای عالی امنیت ملی و مجلس نیز به راحتی آن را تصویب خواهند کرد. اما "دموکراسی لابی های آمریکا" اوباما در برابر کنگره ای قرار داده که تحت سیطره لابی های گوناگون است که هر یک منافع خود را دنبال می کنند.

در این میان دولت اسرائیل و لابی اسرائیل در آمریکا بیش همه نقش بازی خواهند کرد. نسبت کنگره آمریکا با نتانیاهو را سناتور لیندسی گراهام به خوبی بیان کرده است. او خطاب به نتانیاهو [گفت](#) : کنگره آماده حرکت تحت رهبری شما است.

چاک هیگل - سناتور سابق و وزیر دفاع قبلی دولت اوباما- در سال ۲۰۰۸ [گفته بود](#): "واقعیت سیاسی این است که لابی یهودی افراد زیاد را در آمریکا با ترس و تهدید خاموش کرده است و در واشنگتن هر گونه اظهار نظری درباره اسرائیل گونه ای توهین به مقدسات به شمار می آید". در اعتراضی دیگر گفته بود: "من یک سناتور آمریکایی هستم، نه یک سناتور اسرائیلی... اولویت نخست من همان است که به خاطرش در سنا به قانون اساسی ایلات متحده سوگند یاد کردم، به قانون اساسی ایلات متحده، نه به یک رئیس جمهور، نه به یک حزب، نه به اسرائیل".

با توجه به این واقعیت، نتانیاهو به عنوان دشمن توافق هسته ای ، جنگ با اوباما را از طریق کنگره دنبال خواهد کرد. اوباما می داند که نتانیاهو به هیچ توافقی [جز تسلیم مطلق ایران \(کابیتولاسیون\)](#) قانع نمی شود. "[نتانیاهو آمریکا را به سمت جنگ با ایران هدایت کرد، اما نتیجه توافقی است که از آن منتظر است](#)".

دوم- اوباما به آب و آتش می زند تا توافق هسته ای را به تصویب برساند. تمام سرمایه خود را روی این توافق گذاشته است. تمام هزینه های توافق را شخصاً پذیرفته و می پردازد و سود آن (ثبت تاریخی توافق هسته ای و بهبود احتمالی روابط با ایران به نام اوباما) نصیب او خواهد شد. اما آیت الله خامنه ای مطابق سنت همیشگی اش، صرفاً به دنبال سود بردن بدون هزینه دادن است. اگر توافق به دستاوردهای ارزشمندی منتهی شود، همه رهبران نظام مجبورند اعلام کنند که تحت رهبری خردمندانه رهبر فرزانه به

چنین دستاوردی دست یافتند. اگر هم پیامدهای منفی ای برای ایران داشته باشد، اعلام خواهند کرد که تیم مذاکره کننده- تحت رهبری حسن روحانی- با نادیده گرفتن خطوط قرمز رهبری مسئول این خیانت و فاجعه هستند. چند وقتی است که نیروهای افراطی جمهوری اسلامی توافق هسته ای را "ترکمانچای جدید" قلمداد می کنند. رهبر خودکامه جمهوری اسلامی که حقوق بشر را به نحو سیستماتیک نقض می کند، در طول دوران ۲۶ ساله رهبری حتی یک مصاحبه رسانه ای نداشته که به پرسش ها و انتقادهای پاسخ بگوید.

سوم- آیت الله خامنه ای میان بلوک بندی های ساختار سیاسی ایران در حال بازی است. اگر چه به پیامدهای توافق یا عدم توافق هسته ای برای حفظ جمهوری اسلامی می اندیشد، اما گوشه چشمی هم به نیروهای سیاسی داخلی داشته و به هیچ وجه قصد ندارد که مهمترین نیروهای حامی خود را دلسرد و ناراضی کند.

در دوره مذاکرات "تفاهم لوزان"، نیروهای محافظه کار تا مرحله پایان دادن به مذاکرات پیش رفتند. هاشمی رفسنجانی که از عملیات آنان آگاه شد، از روحانی خواست که به دیدارش برود. اما روحانی به شدت گرفتار بود. به همین دلیل، با توجه به فوریت موضوع، هاشمی رفسنجانی به دیدار روحانی رفت و به او گفت که باید به سرعت به نزد آیت الله خامنه ای رفته و محکم بایستد و کوتاه نیاید. حسن روحانی هم یک راست به نزد خامنه ای رفت و گفت: اگر نظر شما هم با اینها یکسان است، من استعفا می دهم و فقط یک انتخابات ریاست جمهوری برای شما برگزار می کنم تا جانشینم انتخاب شود. خامنه ای عقب نشینی کرد و ادامه مذاکرات و توافق را تأیید کرد. بدین ترتیب، مخالفان عقب نشستند و "تفاهم لوزان" حاصل شد.

پس از توافق نهایی وین، خامنه ای در نماز عید فطر (۱۳۹۴/۰۴/۲۷) گفت که باید مسیر قانونی تصویب توافق هسته ای طی شود. ولی افزود: "**مصالح ملی**" باید ملاک تصویب یا عدم تصویب قرار گیرد. همان روز در دیدار با مسئولان نظام دوباره تأکید کرد که در تصویب توافق هسته ای به دنبال "**منافع ملی**" باشند.

او دو نکته را آگاهانه مجهول باقی گذارد. الف- موافقت یا مخالفت خود با توافق وین. ب- مسئول تصویب قانونی توافق هسته ای شورای عالی امنیت ملی است یا مجلس شورای اسلامی؟ این نحوه رفتار را با رفتار او باما مقایسه کنید:

او باما دقیقی پس از "تفاهم لوزان" در **۳ آوریل** و "توافق نهایی وین" در **۱۴ ژوئیه** در کاخ سفید با مردم سخن گفت. مصاحبه های **۵ آوریل** و **۱۴ ژوئیه** با توماس فریدمن، **۲۱ می** با جفری کلدبرگ، **۲۱ ژوئیه** با جان استوارت، **۷ ژوئیه** با NPR و **۲۳ ژوئیه** با BBC را ترتیب داد.

او باما در **۱۴ مه در کمپ دیوید** با رهبران عرب کشورهای حوزه خلیج فارس دیدار کرد تا آنها را درباره توافق هسته ای توجیه کرده و رضایت آنان را جلب کند.

اوباما در ۲۲ مه در کنیسه یهودیان واشنگتن در این مورد سخنرانی کرد. در ۲۱ ژوئیه در نشست ملی کهنه سربازان آمریکا در شهر پیتزبورگ در این مورد سخنرانی کرد. سخنرانی‌های هفتگی خود را هم به این امر اختصاص داد.

اوباما که به خوبی آگاه بود که نتانیاهو قصد دارد تا کلیه یهودیان آمریکا را علیه توافق هسته‌ای بسیج کند، آگاهانه به دنبال جذب یهودیان آمریکا رفت. گفت‌وگوهای او با یهودیانی چون توماس فریدمن، جفری کلدبرگ، جان استوارت و سخنرانی‌اش در کنیسه یهودیان واشنگتن دقیقاً با همین هدف صورت گرفت. جان کری هم با ۱۲۰ تن از رهبران "کنفرانس سازمان‌های بزرگ یهودی آمریکا" در پشت درهای بسته نشست توجیهی "پرتنشی" داشت. با این حال، موفقیت اوباما را نمی‌توان در این مورد نادیده گرفت. اینک ۵۹ درصد یهودیان آمریکا از توافق هسته‌ای حمایت به عمل می‌آورند.

چهارم- اوباما از دوران نامزدی ریاست جمهوری استراتژی حمله نظامی به کشورها را نادرست خوانده بود که به پیامدهای بسیار بدی منتهی می‌شود. در واقع او سوار بر موج اجتماعی ضد جنگ اواخر دوران جرج بوش شد و وارد کاخ سفید شد. او سیاست آمریکا در رابطه با کشورهای چو کوبا و ایران را هم نادرست خواند و از قصد خود برای مذاکره سخن گفت.

پس از تفاهم لوزان نیز دائماً این مدعا را تکرار کرد که سه راه بیشتر وجود ندارد: توافق هسته‌ای، افزایش تحریم‌های کمرشکن، حمله نظامی به ایران. او افزود که تحریم‌ها هم نهایتاً به حمله نظامی منتهی خواهند شد، برای این که ایران متقابلاً به برنامه هسته‌ای اش سرعت خواهد بخشید. به گفته اوباما، جنگ تنها آلترناتیو توافق هسته‌ای موجود است. در همین چارچوب، جاش ارنست، سخنگوی اوباما، تظاهرات ۲۳ ژوئیه در واشنگتن علیه توافق هسته‌ای را "تظاهرات در حمایت از جنگ" نامید. او گفت که خبر دارد که سناتور کروزر قصد داشته "تظاهراتی در حمایت از جنگ" بیرون کاخ سفید برگزار کند. جان کری هم در شورای روابط خارجی گفت که تنها آلترناتیو مخالفان توافق هسته‌ای بمباران ایران است.

پنجم- اوباما و خامنه‌ای، هر دو تأکید کردند و می‌کنند که رابطه میان دو کشور و سیاست‌های منطقه‌ای شان هیچ تغییری نکرده است.

اوباما برای راضی کردن مخالفان، ضمن گزارش نظارت‌ها و محدودیت‌های بسیار گسترده و بلند مدتی که بر برنامه هسته‌ای ایران تحمیل کرده، دائماً بر آمریکا ستیزی، اسرائیل ستیزی، یهودستیزی و تروریستی بودن جمهوری اسلامی تأکید کرد و گفت که از امنیت اسرائیل و متحدان عرب در برابر تهدیدات ایران دفاع خواهد کرد و گزینه نظامی همچنان روی میز قرار دارد. او در مصاحبه با بی‌بی‌سی به درستی گفت که هزینه نظامی کشورهای عرب خلیج فارس حداقل ۱۰ برابر هزینه نظامی ایران است. یعنی ایران با این هزینه نظامی نمی‌تواند تهدیدی برای متحدان آمریکا- با حدود ۶۰۰ میلیارد دلار بودجه نظامی- به شمار رود.

خامنه‌ای نیز متقابلاً از عدم تغییر سیاست‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی در حمایت از متحدانش- عراق، سوریه، حزب الله، حماس، مردم بحرین و یمن- سخن گفت. او گفت آمریکا در حالی ایران را به

دروغ متهم می سازد که به دنبال سلاح های هسته ای است که خود و اسرائیل دارای هزاران بمب اتمی هستند، آمریکا تنها کشوری است که از بمب اتمی علیه مردم ژاپن استفاده کرده، آمریکا به عراق و لیبی و افغانستان حمله نظامی کرد، در سوریه از تروریست ها حمایت به عمل می آورد از ۴ ماه بمباران مردم یمن توسط عربستان سعودی حمایت به عمل آورده، حکومت منتخب دکتر محمد مصدق را در سال ۱۹۵۳ با کودتا سرنگون کرد و ۲۵ سال به طور مطلق از حکومت شاه حمایت به عمل آورد.

اما حقیقت برخلاف ظواهر مدعیات اوباما و خامنه ای است. روابط ایران و آمریکا با این گفت و گوهای علنی، بلند پایه و بلند مدت تغییر کرد. دو کشور در جای پیشا مذاکره قرار ندارند و این امر بیش از هر چیز دیگری موجب نگرانی اسرائیل و دولت های عرب منطقه شده است. بی جهت نیست که [هآرتص](#) ژنرال قاسم سلیمانی را شریک مخفی آمریکا در ایران قلمداد می کند. چون استورات هم به اوباما گفت که در عراق همراه ایران علیه داعش می جنگید و در یمن همراه با عربستان سعودی علیه ایران [\(دقیقه ۵ و ۳۰ ثانیه\)](#).

اگر اختیار به دست اوباما/کری از یک سو و روحانی/ظریف از دیگر سو باشد، تا پایان دوران ریاست جمهوری اوباما روابط میان دو کشور برقرار خواهد شد. دولت های منطقه از این می هراسند و اوباما و خامنه ای به آنان می گویند که هیچ چیز تغییر نکرده است.

ششم- این نکته که "منافع ملی" ایران مبنای قبول یا رد توافق هسته ای است، نه اسلام و قانون اساسی جمهوری اسلامی، گامی مهم در سیاست ورزی خامنه ای است. او آگاهانه و هوشیارانه در انتظار تصمیم کنگره آمریکا است. اگر کنگره توافق هسته ای را رد و اوباما با تو هم حریف کنگره نشود، آمریکا از نظر جهان مسئول شکست مذاکرات و توافق شناخته خواهد شد. این پیروزی بزرگی برای آیت الله خامنه ای خواهد بود. جان کری و مونیز [در واشنگتن پست نوشتند](#) :

"عقب کشیدن آمریکا از این توافق اشتباهی تاریخی خواهد بود. در این صورت ما در میان شرکای مان منزوی شده و شاهد گسیخته شدن نظام تحریم ها خواهیم بود و این وضع به ایران قابلیت غیرقابل کنترلی در جهت پیشبرد برنامه هسته ای اش خواهد داد".

منبع: [رادیو زمانه](#) ، ۰۸ مرداد ۱۳۹۴